



جهان پس از ۱۱ سپتامبر؛ گذار به واقع‌گرایی

Chomsky, Noam. 9- 11, NewYork, Seven Stories Press, 2001.

حادثه ۱۱ سپتامبر که منجر به کشته شدن هزاران انسان بی‌گناه و فروپاشی ساختمان مرکز تجارت جهانی شد، به عنوان مهم‌ترین اقدام تروریستی تلقی شد. حمله به نهاد ثروت و قدرت آمریکا، همگان را متحیر ساخت و این سوال مطرح شد که عاملان این حادثه چه کسانی بودند؟ و از این اقدام چه هدفی را دنبال می‌کردند؟ مقامات آمریکا با اعلام جنگ علیه تروریسم، گروه‌های اسلامی - افراطی خاورمیانه را عاملان این حمله اعلام کردند و دستگیری بن‌لادن و از بین بردن شبکه القاعده را در دستور کار خود قرار دادند.

معرفی گروه‌های اسلامی خاورمیانه به عنوان عاملان این حادثه باعث واکنش مردم آمریکا نسبت به مسلمانان خاورمیانه شد و از این رو حملاتی به مساجد و مسلمانان عرب تبار صورت گرفت؛ در این میان یکی از اندیشمندی که در صدد تنویر افکار عمومی آمریکایی‌ها برآمد، نوام چامسکی استاد دانشگاه MIT بود. وی دیدگاه‌های خود را در این زمینه در کتاب ۱۱ - ۹ سپتامبر مطرح نمود. این کتاب در سال ۲۰۰۱ توسط شرکت Seren Stories Press منتشر شد.

کتاب ۱۱-۹ مجموعه مصاحبه‌های چامسکی با مطبوعات بعد از حمله به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون تا ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ را دربرمی‌گیرد. از آنجا که این مطالب در ماه‌های اولیه حادثه به نگارش درآمده بود، نویسنده و ویراستار کتاب برخی تجدیدنظر در آن اعمال نموده و اطلاعات جدیدی را به آن اضافه و مطالب تکراری را حذف کردند. چامسکی در ۱۱ - ۹ سپتامبر ریشه‌های به وجود آورنده حادثه، سوابق تاریخی و پیامدهای احتمالی آن یعنی حرکت جهان به سمت واقع‌گرایی را تشریح می‌کند. ۱۱ - ۹ سپتامبر به بررسی دخالت آمریکا در خاورمیانه، تروریسم و به طور کلی تعارضات بین‌المللی می‌پردازد که نمایانگر دانش نویسنده به سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، جنوب آسیا و... است.

این کتاب از سال ۱۸۱۲ که سرزمین آمریکا مورد حمله قرار گرفته شروع می‌شود. چامسکی معتقد است «حمله ۱۱ سپتامبر نه به خاطر ویژگی‌ها و شدتش بلکه به خاطر اهدافش پدیده‌ای کاملاً جدید در سطح جهانی است و برای اولین بار بعد از ۱۸۱۲ خاک آمریکا مورد حمله قرار

گرفت و حتی تهدید شد. اقدامات آمریکا در سراسر جهان به خصوص در نیمه دوم قرن بیستم باعث شد که برای نخستین بار تفنگ‌ها بسوی آمریکا نشانه گرفته شود. وی با نظر متفکرانی که حادثه ۱۱ سپتامبر را با حادثه پرل‌هاربر مقایسه می‌کنند مخالفت ورزیده و می‌گوید هر چند آمریکا تمایل دارد بندر پرل‌هاربر را جزء سرزمین خود محسوب کند اما در حمله ۷ دسامبر ۱۹۴۱ دو پایگاه نظامی آمریکا در مستعمرات مورد حمله قرار گرفته است.

چامسکی در پاسخ به این سوال که چرا تفنگ‌ها به سمت جدیدی نشانه رفته‌اند، وقایعی را بیان می‌دارد که به طور ضمنی بیان‌کننده علت این حادثه است. او می‌گوید آمریکا متهم به استفاده غیرقانونی از قدرت علیه دولت انقلابی نیکاراگوا و حمایت از تروریست‌های کنتراست. آمریکا تهیه‌کننده اصلی سلاح کشور ترکیه برای سرکوب کردها و حمله به ۳۵۰۰ روستا و شهرک است. آمریکا به اسرائیل که سرزمینهای فلسطین را اشغال نموده کمک‌های کرده است. کشورهای غربی از صدام حسین هنگامی که به قتل عام کردها و دیگر اقوام عراقی دست می‌زد بدون هیچ درنگی حمایت کردند و اکنون نیز با اعمال تحریم‌های شدید باعث تقویت موقعیت صدام شدند در حالیکه این تحریم‌ها منجر به مگر صدها هزار انسان بی‌گناه شده است، (بیشتر از آنچه که سلاح‌های کشتار جمعی در طول تاریخ کشته‌اند). آمریکا بدون ارائه دلیل قانع‌کننده‌ای برای نشان دادن رابطه بین کارخانه داروسازی الشفاء سودان با تروریسم آن را بمباران کرد و با از بین بردن مهم‌ترین مرکز دارویی سودان باعث مرگ هزاران انسان بی‌گناه شد.

نویسنده کتاب ۱۱ - ۹ سپتامبر دیدگاه‌های روشنفکران صاحب نفوذ مانند هانتینگتون و برنارد لویس^۱ که برخورد تمدن اسلام و غرب را عامل این حملات می‌دانند، رد می‌کند و معتقد است که جهانی شدن و تفاوت فرهنگی رابطه مستحکمی با حادثه ۱۱ سپتامبر ندارند. وی می‌گوید این ادعا که مسلمانان یا اعراب با مفاهیمی چون آزادی، تساهل، دموکراسی و همزیستی مسالمت‌آمیز بیگانه هستند، مبنای واقعی ندارد و ادعا می‌کند که آمریکا به خاطر آزادی‌هایش و دموکراسی و... مورد تنفر اعراب و مسلمانان نیست بلکه برعکس آنها مردم آمریکا را دوست دارند و آنها را به واسطه برخی چیزها از جمله آزادی و دموکراسی تحسین می‌کنند. آن چیزی که آمریکا را بین این مردم متنفر ساخته سیاست‌های رسمی آمریکا و حمایت آن کشور از حاکم فاسد و ظالم در این کشورهاست.

چهل و چهار سال قبل شورای امنیت ملی دولت آیزنهاور بر این نکته تاکید نمود که آمریکا به خاطر منافع خود و کنترل منابع نفتی منطقه از دولت‌های فاسد و حاکم حمایت می‌کند. بر این

اساس آیزنهاور اعلام کرده بود «نبرد انزجاری علیه ما در خاورمیانه از طرف دولتهای آن منطقه نیست بلکه از جانب مردم آن است.» بررسی‌ها بعد از حمله ۱۱ سپتامبر در خاورمیانه نشان می‌دهد که این نارضایتی‌ها و مخالفت‌ها نسبت به سیاستهای آمریکا در منطقه تنها مختص اسلام‌گرایان نیست بلکه نخبگان طرفدار غرب نیز از این گونه سیاستهای آمریکا ناراضی هستند، برای مثال احمد رشید متخصص مسایل خاورمیانه در اول آگوست ۲۰۰۲ در مجله Far Eastern می‌نویسد در پاکستان نارضایتی‌های فزاینده‌ای علیه آمریکا وجود دارد چرا که حمایت آمریکا از دولت نظامی مشرف امید دموکراسی در پاکستان را به تعویق انداخته است. از این رو به نظر چامسکی سیاست‌های آمریکا مبنی بر حمایت آن کشور از حاکمان فاسد و اقدامات آمریکا در منطقه از قبیل حمله به کارخانه الشفاء، بمب‌گذاری سال ۱۹۸۵ بیروت که منجر به مرگ ۸۰ نفر و مجروح شدن ۲۵۰ نفر شد و به ویژه حمایت آمریکا از اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی زمینه را برای رشد گروههای تروریستی فراهم کرده است. وی به مقامات آمریکا هشدار می‌دهد که دلایل کنونی برای حمله به عراق از توجیحات بوش پدر برای حمله به عراق از اعتبار کمتری برخوردار است و مسلمانان تندرو معتقدند حمله به عراق که منجر به کشتار انسانهای بی‌گناه و ویرانی وسیع کشور می‌شود، زمینه را برای اقدامات تروریستی آنها فراهم می‌آورد.

وی در بخش دیگر کتاب به بررسی تاثیر این حادثه بر تحولات داخلی آمریکا می‌پردازد و می‌گوید رسانه‌های آمریکا نسبت به سانسور دولتی واکنش نشان می‌دهند، اما مساله اصلی خود سانسوری و هماهنگی خود خواسته رسانه‌ها با منافع قدرتمندان است. او این ادعا را که فعالان سیاسی باید به جریانات غالب وفادار بمانند رد می‌کند و می‌گوید در آمریکا مقاومت نهفته‌ای علیه جنگ با تروریسم وجود دارد. چامسکی معتقد است حملات تروریستی به عنوان موهبتی برای ظلم و سرکوب بیشتر، تسریع برنامه‌های میلیتاریستی، محدودیت شدیدتر و تحلیل دموکراسی عمل کرده است. او می‌گوید افکار عمومی غرب امکان این تحولات را بدون چالش نمی‌داند ولی این حادثه زمینه را برای این گونه اقدامات فراهم کرده است.

چامسکی مخالف راه‌حل نظامی برای مقابله با تروریسم است. به نظر او جنگ علیه تروریسم تنها تبلیغات سیاسی است مگر آنکه به جای دشمن بدون نام واقعاً تروریسم هدف باشد. وی می‌گوید جنگ علیه تروریسم چیز جدیدی نیست و بادآور می‌شود که چگونه دولت ریگان ادعا می‌کرد تروریسم بین‌المللی بزرگترین تهدید آمریکاست و باید این غده سرطانی و این طاعون نابود کننده تمدن را ریشه کن کرد. استعاره «بیماری» برای بزرگ جلوه دادن مسایل خارجی بدون توجه به مسایل دیگر است. از این رو برای دولت بوش بسیار آسان است تا بجای اینکه آن چیزی که پشت این فجایع قرار دارد، درک کند، دشمن را در قالب یک شخص مانند بن‌لادن به عنوان نماد

تروریسم درآورد.

او می‌گوید اگر آمریکا جنگ علیه تروریسم را ادامه دهد به گسترش چرخه خشونت افزوده و در جهتی حرکت کرده که بن‌لادن و تروریستها خواهان آن هستند. به عبارت دیگر اگر آمریکا خواهان کاهش سطح خشونت است باید از نفوذ خود برای بررسی آن چیزی که پشت این فجایع قرار دارد، استفاده کند. اگر آمریکا خواهان جلوگیری از گسترش جنگ و خواهان آزادی، حقوق بشر و دموکراسی است باید از ابزارهای حقوق بین‌الملل استفاده کند.

به نظر چامسکی برای مبارزه با تروریسم و جلوگیری از افزایش خشونت باید به قوانین بین‌المللی احترام گذاشت و به سازمان ملل و دادگاه جهانی بهای بیشتر داده شود. او می‌نویسد واکنش به خشونت افراطی باعث افزایش چرخه خشونت می‌شود و اگر هدف کاهش احتمال فجایع آینده است باید از رویه‌های حقوقی پیروی کرد و این امکان را به مجموعه جهانی داد که پاسخ مناسبی به این فجایع بدهد.

در مجموع می‌توان گفت که کتاب ۱۱ - ۹ تحلیلی دقیق و مشروح از علت و پیامدهای حوادث ۱۱ سپتامبر به دست می‌دهد. این کتاب هم برای آنهایی که خواهان مقاومت علیه هرگونه تلاش برای جلوگیری از آزادی و دموکراسی هستند و هم آنهایی که می‌خواهند مطالبی درباره زمینه‌های این حوادث بدانند، مفید و مناسب است.

نادر پورآخوندی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی